



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۵/۰۱

صلاح الدین سعیدی

صلح و موانع آن در افغانستان!

هیچ عقل سلیم و انسان نورمال تأمین امنیت، صلح و استقرار را در جامعه و کشور خویش رد کرده نمی تواند! هر جنگ باید به توافق و صلح خیر بانجامد و این خواست و امر منطق سلیم و انسان سالم است! بلی این امر الهی است (و الصلح خیر).

پس در کشور ما که مردم آن قریب به اتفاق مسلمان و مردمان خیر اندیشند، چرا به امنیت، صلح و استقرار نمیرسیم؟ موانع و عوامل رسیدن به صلح و استقرار در کشور ما و منطقه کدام ها اند و چگونه به امنیت، صلح و استقرار دست یافته می توانیم؟

اولتر از همه وجود نیروهای نظامی کشورهای غیر اسلامی مسلط بر هوا و زمین کشور ما، تبلور و نمایشات تسلط این حالت در عرصه های سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور اولین مانع و یا بهانه به خاطر نرسیدن به صلح و عامل تشنج در کشور ما، مفتی و مبرر برای دامن زدن جنگ در افغانستان است و مستندات برای فتاوی جنگ و جهاد! حد اقل علمای دیروز و امروز ای اس ای پاکستان به شمول مولانا فضل الرحمن و مولانا سمیع الله و سائر چوکره های شان با توجیه سوء و خاص پاکستانی می باشد. باید گفت که این موضوع منابع دینی خود را نیز دارد.

از جانب دیگر مسئولین امور و حتی عده زیادی از افراد رسمی مجریان برنامه های صلح در مورد این مانع یا آنرا اصلاً نادیده گرفته و نمی بینند و یا دیدن نمی خواهند و از آن به نحوی طفره می روند. در مواردی حل این موضوع را از توان خود بالا دیده و یا هم توجیهاتی ارائه می دارند که قبل از همه فریب خود و یا حد اقل فریب خود است. علت دیگر آنرا ممکن در صورت طرح این معضل سبب از دست دادن مقام و جایگاه خویش در مراجع دولتی می دانند.

عامل طفره رفتن هرچه باشد، نتیجه همان یکی و آن ادامه جنگ و برادر کشی در افغانستان و منطقه است! اگر مخالفین مسلح، اصل ضرورت صلح، آشتی و تفاهم بین الافغانی را قبول کنند و برای پیشرفت و حل موضوع در این مورد به جانب حاکمیت افغانی در کابل مسایل و اعتراضات خویش را به شمول رویار معضل وی مطرح کنند، راه های حل ممکن با وجود تمام مشکلات و پیچیدگی های خارجی می تواند راه حل جست و جو گردد و وجود داشته باشد و دارد که در اختیار اقل ضرر راه خیر را باز کنیم. اما با روش موجود رد کامل مذاکرات صلح و عملاً کار در مورد: الحق لمن غلب - حق با کسی است که غالب شد، در ادامه خونریزی و بقای نیروهای خارجی در افغانستان عملاً کار می کنند و به این ترتیب گناه این همه تباهی به گردن کسانی می افتد که از آغاز، از مذاکره و

مفاهمه ترس دارند و آنرا رد می کنند. بلی این موضع هم منطق ندارد و قابل قبول نیست که گفت: صلح می خواهم اما مذاکره نمی کنیم. این قابل قبول نیست!

مانع دوم و اساس دیگر مانع صلح، همسایه های طماع با مطالبات مشروع، برحق و مطالبات نامشروع و غیر قابل قبول به جانب افغانی، مخالف عقل سلیم و مخالف عدالت ایشان است!

استابلشمنت پاکستان و ایران در این مطالبات مشروع و نامشروع از افغانستان در مقام اول قرار دارند.

- ایران در افغانستان تأثیرات فرهنگی و دینی می خواهند، می خواهند مانع ورود عربستان سعودی و مانع سعود اسلام سنی به منطقه و افغانستان شوند، از آب، معادن، مواد خام، سنگ و چوب، نیروی فیزیکی ارزان و رایگان و خسته ساختن غرب و امریکا در افغانستان کار وسیع از امکانات کادری و تربیت یافته یکجا با روسیه کار نمایند.

- ایران بر افغانستان مطالبات ارضی ندارد و پروژه های مشترک اقتصادی، هند و ایران، مواصلات و چاه بهار می تواند جوانب مثبت مسأله باشند.

- ایران در موارد زیادی به اهداف خویش در افغانستان رسیده و یا در حال رسیدن است.

باورمندم که موانع دیگر را تا حدی زیادی می تواند با ایران با مذاکره و مفاهمه حل کرد. و اما پاکستان:

- پاکستان در رابطه با افغانستان امکانات کادری وسیع دارد و در جبهه جنگ نیز دست بالا و امکانات دارد و دارد که در ساحة اقتصادی نفوذ چین در حال داخل شدن است.

- پاکستان، از برکت جهاد مردم افغانستان موتروی و بمب اتوم دارد و دوسیه های اوپراتیفی زیاد از رهبران جهادی را در سر میزهای دفاتر ای اس ای دارد، و توانسته است که با دست بالا مانع صلح، رفاه و تفاهم بین الافغانی شود.

- پاکستان از همه بیشتر می داند که در سرزمین غیر به صورت غیر مشروع ایجاد شده و افغانستان مستقل متکی به خود در نهایت امر به تباهی پاکستان جعلی است.

- پاکستان با وجود داشتن برنامه های بزرگ اقتصادی نتوانست استابلشمنت پاکستان را به همکاری متقابل استقرار بخشد، برعکس پاکستان تلاش نمود تا این پروژه های بزرگ از افغانستان نه، بلکه از ایران و یا از شاخه و اخان افغانستان که آنها در تجزیه افغانستان مطرح باشد، امکان پذیر گردد که به این ترتیب دیده می شود که پاکستان زهر پاشی و برادر کشی های خویش را در افغانستان توقف نداده و تمام شواهد نشان میدهد که توقف نه خواهد داد!

مانع سوم تفاهم و صلح بین الافغانی به زور و زر رسیده ای یکه تاز به زور ب ۵۲ اند که در صورت بوجود آمدن شرایط صلح خطر دادن حساب، تقسیم قدرت مطرح است.

مانع چهارم عدم تطبیق عدالت و حاکمیت قانون است.

عدم مشروعیت حاکمیت و نبود حاکمیت به اراده ملت را میتوان مانع عمده چهارم رسیدن به صلح در کشور ما خواند. این و بخش دیگر از عوامل خورد و بزرگ در جامعه و محیط ما وجود دارد که مانع رسیدن به امنیت، صلح و استقرار در کشور و جامعه ما شده اند.

موانع تخنیکی طریق پیشبرد مذاکرات، در بیشتر از یک دهه تأکید بر پیش شرط ها، کادرهای ضعیف و حتی غیر باورمند به این پروسه از موانع اند که همه روزه از مردم ما قربان گرفته، میگیرد و تراژیدی ملت ما با تمام ابعادان ادامه دارد!

این جنگ است که وجود و تحمل با امتیازات زیادی بخشی از نیروهای جنگی داخلی و خارجی را در افغانستان مطرح و تحمیل میدارد.

این منافع و مصالح دیگران است که در جنگ مطرح و تحمیل می شوند.

و این جنگ است که از ملت مظلوم افغانی گرفته و می گیرد.

اگر کس واقعاً افغانستان مستقل متکی به خود می خواهد و در این ادعای خویش صادق است، باید عوامل جنگ را از بین ببرد و به تفاهم بین افغانی صادقانه کار کند!

پس برماست که با تمام قوت با درک عمق و بُعد این مسایل در رسیدن به تفاهم بین افغانی کار کنیم.

اگر با این تلاش حتی یک نفر افغان را از آله دست بودن دشمن نجات دادیم، باز هم موفقیت است.

مصالحه سیاسی در واقعیت امر تجرید متخلف از ملت، تقویت همه جانبه نیروهای امنیتی کشور نیز است.

مصالحه سیاسی شهامت و مردانگی و تقویت اعتقاد ملت به جانب مصلح و خیرخواه است!

این و امثال آن حقایق و منطق آنرا درک و عام کردن، معضل را دانستن و مطابق آن با صلاحیت با اولویت دادن

منافع ملی افغانستان و افغانان عمل کردن راه حل درست معضلات کشور ما و تأمین صلح و استقرار دایمی و همه

جانبه شده می تواند! و ما علینا الا البلاغ المبین

